

چند نکته پیرامون فهرست‌نویسی کتاب

علیرضا دولتشاهی

می‌خوانیم:

فیروز میرزا فرمانفرما فرزند عباس میرزا (۱۲۰۳ - ۱۲۴۹ ق / ۱۷۸۸ - ۱۸۳۳ م) نایب‌السلطنه و نوه فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۳۳ ق / ۱۸۱۷ م چشم به جهان گشود.^۲

در صفحه حقوق این کتاب، برگه فهرست‌نویسی پیش از انتشار که توسط کتابخانه ملی ایران تهیه شده، چاپ شده است. این برگه دارای سرشناسه پدیدآور زیر است:

فیروز، فیروز ۱۲۶۷ - ۱۳۱۶.

اما این سرشناسه نادرست است. با مراجعه به ابزارهای معتبر فهرست‌نویسی از جمله فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان^۳ می‌توان دریافت که نام اشهر و هیچ کدام از ارجاعات فیروز میرزا فرمانفرما، فیروز فیروز نیست. از دیگر سو، همین منبع تاریخ تولد و درگذشت وی را نیز نشان می‌دهد:

فرمانفرما، فیروز میرزا بن عباس میرزا، ۱۲۳۲ - ۱۳۰۳ ق

X فیروز میرزا فرمانفرما

X فیروز میرزا نصرت‌الدوله فرمانفرما

X نصرت‌الدوله فرمانفرما، فیروز میرزا

اما برای آگاهی از تاریخ تولد و درگذشت فیروز میرزا فرمانفرما، مقدمه کتاب، آن‌سان که در بالا بیان شد، فهرست‌نویس را می‌تواند یاری کند. از سوی دیگر با مراجعه به فهرست مستند، می‌توان دریافت که فیروز فیروز از ارجاعات فیروز نخجوانی است که ربطی به فیروز میرزا ندارد.

از منابع درباره رجال عصر قاجار و پهلوی نیز می‌توان اطلاعاتی در مورد فرمانفرما به دست آورد. برای نمونه در کتاب بامداد، با دو مدخل فیروز روبه رو می‌شویم. این دو مدخل عبارت‌اند از:

الف) فیروز میرزا نصرت‌الدوله فرمانفرما متولد ۱۲۳۳ قمری، پسر شانزدهم عباس میرزا نایب‌السلطنه^۴

ب) فیروز میرزا نصره‌الدوله پسر اکبر و ارشد عبدالحسین میرزا فرمانفرما^۵

تا اینجا می‌توان اطمینان حاصل کرد که با دو فیروز میرزا روبه رو هستیم. این دو نام، پدر متفاوتی دارند. اما باید پرسید این فرمانفرمای سوم، یعنی عبدالحسین میرزا کیست؟ پاسخ را می‌توان نزد بامداد یافت:

«عبدالحسین میرزا، پسر دوم فیروز میرزا نصرت‌الدوله فرمانفرما که در سال ۱۲۷۴ ق (۱۲۳۶ خ) متولد و در سال ۱۳۰۳ ق پس از فوت پدرش ملقب به نصره‌الدوله گردید.»^۶

براساس سالمرگ فیروز میرزا نصرت‌الدوله در این بازگفت از بامداد، می‌توان دریافت که وی همان فیروز میرزا فرمانفرما پسر عباس میرزا است. و نیز می‌توان دریافت که وی پدر فیروز میرزا نصره‌الدوله است که در بازگفت (ب) به آن اشاره شد.

در کار فهرست‌نویسی کتاب، صفحه حقوق یکی از بخشهای کتاب است که می‌تواند فهرست‌نویس را بسیار یاری رساند. در بسیاری کتابها صفحه حقوق اطلاعاتی درباره وضعیت نشر کتاب، چاپهای پیشین، نامهای سابق اثر، ناشران پیشین و... را برای درج در بخشهای گوناگون برگه فهرست‌نویسی در اختیار فهرست‌نویسان قرار می‌دهد.

یکی از بخشهای برگه فهرست، بخش «یادداشت» است که به طور معمول توسط فهرست‌نویسان و بر اساس دانش و آگاهی و یا حوصله آنان به تحریر می‌آید. این بخش نشانگر دقت و ژرف‌بینی فهرست‌نویس است. اما متأسفانه، فهرست‌نویسان معمولاً این بخش را چندان که باید جدی نمی‌گیرند و بهای چندان به آن نمی‌دهند. در بخش یادداشت، در برگه‌های فارسی، اکثراً تنها به ذکر نام اصلی کتاب^۱ و نیز بیان وجود کتابنامه و یا واژه‌نامه بسنده می‌شود. ذکر سایر موارد، نظیر: عنوان عطف، عنوان روی جلد، عنوان و اطلاعات مربوط به چاپها و یا ویرایشهای پیشین، اطلاعات مربوط به زبان و چاپ ترجمه‌هایی که از زبان دوم به زبان فارسی ترجمه شده‌اند، اطلاعات مربوط به ترجمه‌های پیشین و نیز بیان مندرجات کتاب، البته در برخی کتابها آورده می‌شود ولی در مواردی یا ذکر نمی‌شود یا کامل و دقیق نیست.

در نگاه اول شاید درج مندرجات کار چندان لازمی نباشد، اما این کار، کاربران کتابخانه را در جهت یافتن کتاب مطلوب و مناسب بسیار یاری خواهد کرد. هر چند که گروهی از فهرست‌نویسان این مهم را تنها در مورد کتابهای چند جلدی به کار می‌بندند.

امروزه با گسترش فهرست‌نویسی متمرکز و حذف بخشهای فهرست‌نویسی در گروهی از کتابخانه‌های وابسته به کتابخانه‌های بزرگ، و تمایل به استفاده از منابعی همچون فیبا، با کاهش فهرست‌نویسان باتجربه و پرحوصله در کتابخانه‌ها روبه رو هستیم. این امر گاه به جای یکسان‌سازی اطلاعات باعث انتشار اطلاعات نادرست می‌شود. خواننده گاه از فهرست‌نویسی پیش از انتشار، چنان به تعجب می‌افتد که نمی‌داند باید زارزار بخندد یا قه‌قهه بگیرد! در این یادداشت کوتاه به بیان نمونه‌هایی اندک بسنده می‌کنیم، هر چند اهل کتاب و فهرست‌نویسان باتجربه روزانه به موارد متعددی از این دست اشتباهات بر می‌خورند.

سفرنامه کرمان و بلوچستان که به کوشش دکتر منصوره اتحادیه یک بار در سال ۱۳۴۲ خورشیدی در سری انتشارات شرکت سهامی کتابهای ایران منتشر شده بود، در سال ۱۳۸۰ خورشیدی توسط نشر تاریخ ایران تجدید چاپ شد. البته در فهرست‌نویسی پیش از انتشار سال انتشار ۱۳۷۹ ذکر شده است و در صفحه حقوق ۱۳۸۰. در این بازچاپ، تنها مقدمه‌ای به قلم سعادپیرا به متن چاپ نخست افزوده شده است. در نخستین سطرهای مقدمه کتاب چنین

با توجه به آنچه بیان گردید می‌توان به این نتیجه رسید که فیروز میرزا نصرت‌الدوله فرمانفرما دارای نوه‌ای است همان‌نام با خود، یعنی فیروز میرزا نصره‌الدوله.

با توجه به این اطلاعات می‌توان گفت، فهرست‌نویس فیپا بی‌دقتی کرده است. او فیروز میرزای نوه را با فیروز میرزای پدر بزرگ اشتباه گرفته است.

در مورد این کتاب، برگه فیپا کمبود دیگری نیز دارد، و آن اشاره نکردن به چاپ پیشین این اثر است. نکته‌ای که ناشر در صفحه مقابل صفحه حقوق آن را نوشته است. این گونه اطلاعات اساساً در بخش یادداشت آورده می‌شود، یعنی همان بخشی که در فهرست‌نویسی رایج در ایران به آن کمتر پرداخته می‌شود.

حال که فهرست‌نویسان کتابخانه‌ها به برگه فیپا استناد می‌کنند، نباید این برگه با دقت و توجه بیشتری تهیه شود؟ مگر فلسفه ایجاد فیپا استاندارد و یکسان‌سازی فهرست‌نویسی در سراسر ایران نیست؟ اما فهرست‌نویسی متمرکز در کتابخانه‌های بزرگ و یا به تعبیری آن دست کتابخانه‌هایی که کتابخانه‌های وابسته دارند نیز گاه مسائلی بزرگ می‌آفریند. مسائلی که فهرست‌نویسی را آشفته و پریشان جلوه می‌دهد. برای نمونه به مواردی از کتابخانه ملی ملک می‌پردازیم.

چند سالی است که کتابخانه ملی ملک از حوزه اداری سازمان موقوفات ملک جدا و به شاخه‌ای از سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌های آستان قدس رضوی تبدیل گشته است. این کتابخانه امروز زیرمجموعه‌ای از کتابخانه‌های وابسته به کتابخانه مرکزی آستان قدس است. پیامد این تحول، انحلال بخش فهرست‌نویسی در کتابخانه ملک بود. پس از انحلال این بخش و در ظاهر برای یکسان‌سازی رده کتابها در تمام کتابخانه‌های آستان قدس، رده کلیه کتابهای موجود در کتابخانه ملک با رده کتابها در کتابخانه مرکزی آستان قدس یکسان شد. این خود آغاز ماجرای تازه است. که آشفته‌گی‌ها و بی‌نظمی‌هایی در رده‌بندی کتابها به وجود آورده است. آشنایان با رده‌بندی و فهرست‌نویسی کتاب می‌دانند که فهرست‌نویسی از هر نظام رده‌بندی که استفاده کند، باید قواعد و منطق آن را رعایت کند. این منطق، سازگاری رده‌های داده شده توسط فهرست‌نویسان یک مجموعه را هماهنگ می‌کند. پُر واضح است که آشفته‌گی در رده‌بندی جست و جوی مراجعان را با دشواری روبه‌رو می‌سازد.

اینک با ارائه چند نمونه از رده‌های یکسان شده در کتابخانه ملک، که در حقیقت مشتی است از خروار، ابعاد این آشفته‌گی را ترسیم می‌کنیم:

۱. نخستین کتابی که در این اشاره به آن می‌پردازیم، *خاطرات اسارت*، روزنامه سفر خوارزم و خیوه است به قلم سرهنگ اسماعیل میرپنجه. از این کتاب که توسط مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی انتشار یافته، دو نسخه در مجموعه ملک موجود است. اما با دو رده گوناگون: الف) کتاب با شماره ثبت ۳۶۲۲۸ و با تاریخ ثبت ۱۳۷۵/۳/۱۴ این نسخه دارای شماره رده ۹۵۵/۰۸۴۰۹۲ است. ب) کتاب با شماره ثبت ۴۲۹۹۴ و با تاریخ ثبت ۱۳۸۲/۱۲/۱۴ که دارای رده ۹۵۵/۰۷۴۵۰۹۲ است.

۲. دومین کتاب، *شرح رجال ایران* به قلم مهدی بامداد است. ناشر این کتاب انتشارات زوار است. در تالار قفسه باز آقایان کتابخانه ملک از جلد ۶ این مجموعه، دو نسخه موجود است. الف) با شماره ثبت ۶۰۹۲۹ و رده‌بندی ۹۵۵/۰۷۴۰۹۲، ب) با شماره ثبت ۶۲۳۲۴ و رده‌بندی ۹۵۵/۰۰۹. در مورد این کتاب نکته جالب توجه این است که در صفحه حقوق، برگه فیپا نیز درج شده است. رده طرح شده در برگه فیپا همان رده نسخه دوم است، یعنی: ۹۵۵/۰۰۹. فهرست‌نویس محترمی که این کتاب را در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی فهرست کرده است، گویی به رده فیپا توجهی نداشته و آن را فاقد اعتبار دانسته است.

۳. سومین کتاب از نظر دیگری جالب توجه است. این کتاب *مبانی زبان‌شناسی نوشته جین ایچیسون و ترجمه محمد فاضل و ناشرش انتشارات نگاه* است. این کتاب با شماره ثبت ۴۵۴۶۳ و به تاریخ ۱۳۸۱/۳/۱۴ در کتابخانه ملک موجود است. شماره رده‌بندی این کتاب که توسط بخش فهرست‌نویسی کتابخانه ملک، پیش از انحلال آن داده شده بود، هنوز وجود دارد. آن رده چنین است: ۴۱۰ اما برچسب عطف کتاب شماره دیگری دارد. که حاصل کار بخش فهرست‌نویسی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی است: فا ۲۴ / ۴۴۸.

۴. واپسین کتاب، در قلمرو فرهنگ تألیف دکتر جلال ستاری است. این کتاب در سال ۱۳۶۶ خورشیدی توسط نشر ویس منتشر شده است. در تالار مطالعه بانوان کتابخانه ملک دو نسخه از این کتاب وجود دارد. این دو نسخه اما دارای دو رده گوناگون هستند. نسخه شماره ۲۷۰۲۷ دارای رده ۳۰۱ است و نسخه دیگر، نسخه شماره ۵۴۰۰۴ رده ۳۰۱/۲۵۵ را دارا است.

شاید برای ناآشنایان با دانش رده‌بندی، این اعداد معنا و مفهومی در خود نداشته و تنها یک گروه از اعداد باشند. اما برای کتابداران این اعداد بیانگر چستی کتاب است.

۱. در اکثر موارد تنها عنوان انگلیسی آورده می‌شود و اگر زبان اصلی کتاب، زبانی دیگر باشد ولی ترجمه فارسی از روی ترجمه انگلیسی اثر انجام گرفته باشد، معمولاً به جای عنوان اصلی اثر، عنوان انگلیسی ذکر می‌شود. در مورد کتابهایی که دارای صفحه عنوان به زبانی دیگر جز انگلیسی هستند گاهی به اشتباه صفحه عنوان انگلیسی ذکر می‌شود. برای نمونه: در کتاب *لهستانیان و ایران* از این نگارنده که دارای صفحه عنوان به زبان لهستانی است ولی در فهرست‌نویسی فیپا در جلوی عنوان لهستانی کتاب *Polacy i Iran* درج شده: عنوان به انگلیسی!

۲. *سفرنامه کرمان و بلوچستان*، ص ۹.

۳. *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*، پیوست یک، (تهران: مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۵۸)، ص ۹۹.

۴. مهدی بامداد، *شرح رجال ایران*، ج ۳، (تهران: زوار ۱۳۵۷)، ص ۱۱۰.

۵. همان، ص ۱۱۴.

۶. همان، ج ۲، ص ۲۴۷.